

# تابعیت سویسی مصدق

دکتر سعید سادات

فحش بدهد که چرا با این همه مدرسه‌های موجود در ایران، کشور را رها کرده و برای تحصیل به سویس رفته و به تحصیل در همین مراکز آموزشی آبیایی و اجدادی‌اش در ایران قناعت نکرده؟ خیر. مصدق، مشکلات را به تن خود خرید و با زحمت از ایران به اروپا رفت و درس خواند و این حق او بود که با پول خودش و زحمت خودش در خارج تحصیل کند. او پس از اخذ این امتیاز، باز این حق را داشت که در کشور آزاد و امن سویس به کار و زندگی بپردازد و از ممر حلال کسب درآمد مشروع کند و اگر اخذ پروانه‌ی وکالت، مستلزم تقاضای تابعیت سویس است، تقاضای تابعیت آن‌جا را هم بکند. کجای این کار گناه است؟ امروز این همه ایرانی، در سرتاسر جهان، مشغول کار، تلاش و زندگی‌های آبرومندانه‌اند و خیلی‌ها با داشتن تابعیت مضاعف، با سرفرازی خود را ایرانی-امریکایی می‌نامند. کجای این کار گناه است؟

اولاً، مهاجرت و حتا ترک تابعیت از حقوق بشر است و ثانیاً، اخذ تابعیت سویس، مستلزم ترک تابعیت ایران نیست. ثالثاً، اگر مردم یک کشور به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، نشانه‌ی بهتر بودن شرایط زندگی در وطن دوم ایشان است. افغانی‌ها به ایران آمده‌اند، ایرانی‌ها به اروپا و امریکا رفته‌اند و می‌روند. این افغانی‌ها و ایرانی‌ها هر دو در تلاش زندگی بهترند و گناهی ندارند. اگر گناهی هست، متوجه حکومت‌هایی‌ست که سعی نکرده‌اند تسهیلات بیش‌تر و بهتری فراهم کنند که نیروی انسانی آن‌ها که از ذخائر مهم هر کشور است، در همان کشور، شاعل بماند و این نیرو به‌جای دیگر جلب شده است. درست مثل این است که این روزها، نه تنها فرار مغزها به امریکا، کانادا و استرالیا ادامه دارد، بلکه فرار سرمایه به دبی، قطر و دیگر امارات حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس هم امری عادی شده. گناه عمده از نبود فرصت در ایران است نه از ایرانیان مهاجر.

حالا، مصدق هم پس از تکمیل تحصیلات، به اقرار خودش تقاضای تابعیت سویس کرده است. گرفتن تابعیت سویسی یک امتیاز بزرگ برای یک نفر ایرانی محسوب شده و می‌شود که قانوناً حق اشتغال همیشگی در آن‌جا پیدا کند. بسیاری از رجال علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در طول تاریخ، در مقاطعی جلای وطن کرده و به اصطلاح امروز تابعیت مضاعف کسب کرده‌اند. چرا این کار برای هر ایرانی دیگری نشانه‌ی موفقیت و افتخار اما برای دکتر مصدق گناه محسوب شود؟

تازه، تقاضای تابعیت دکتر مصدق توسط دولت سویس رد شد و او نتوانست تابعیت مضاعف بگیرد و به ایران بازگشت و به خدمت در کشور ادامه داد. اما آیا این دولت و این ملت، جزای اعمال او را چه‌طوری داد؟ آیا برای ایرانیانی که پس از سال‌ها اقامت در خارج امروز بخواهند به ایران برگردند، ما امروز شرایطی در داخل کشور فراهم کرده‌ایم که پشیمان نشوند؟ پس مخالفان (و موافقان) مصدق چه‌گونه می‌توانند تقاضای تابعیت سویسی آن مرحوم را جرم بدانند؟ ■

□ آقای محمدباقر رضوانی از قم مکرر، در صفحات **ماهنامه‌ی حافظ**، به شادروان دکتر محمد مصدق حمله کرده‌اند که چرا دکتر مصدق پس از تکمیل تحصیلات حقوقی و کارآموزی وکالت دادگستری در کشور سویس، از آن کشور تقاضای تابعیت کرده است تا بتواند در آن‌جا پروانه‌ی وکالت بگیرد و زندگی کند. عده‌ی از طرفداران مصدق از حمله‌ی آقای اسماعیل رزم‌آسا هم در جواب آقای رضوانی در مقام دفاع از مصدق، به تکیذ تابعیت سویسی مصدق پرداخته‌اند و در این میان، وجه اشتراک هر دو طرف، این است که کسب تابعیت سویسی را از طرف یک ایرانی اصیل، یک عیب بزرگ و یک کار قبیح قلمداد کرده‌اند. بنده می‌خواهم از منظر دیگر به موضوع نگاه کنم و بگویم کسب تابعیت یک کشور اروپایی یا غیراروپایی توسط یک نفر ایرانی در جهت تسهیل اقامت و اشتغال خود و خانواده‌اش در خارج از کشور نه تنها جرم و گناه نیست، بلکه کسب امتیاز و افتخار دیگری (درست مشابه اخذ مدرک از یک دانشگاه خارجی یا اشتغال به کار یا تدریس یا طبابت یا حتا مرجعیت) در خارج است.

شما محاسبه بفرمایید: از قدیم از دوره‌ی صفویه به بعد یک ایرانی در شرایطی که امنیت کافی در داخل کشور برای زندگی نداشته، از ایران به هند یا به اعتاب مقدسه‌ی عراق مخصوصاً نجف و کربلا می‌رفته و در آن کشور تابعیت می‌گرفته و مقیم می‌شده. حتا عده‌ی زیادی از علما و مجتهدین ایرانی یا از جهت این‌که از مشاغل سیاسی ایران دور باشند یا برای نیل به مدارج علمی و فقهی بالاتر از ایران به عراق رفته و در آن‌جا تابعیت گرفته‌اند و بعضی از آن‌ها دوباره به اعتبار تابعیت مضاعف ایرانی خود به ایران بازگشته‌اند و نمونه‌ی حی حاضر این دو تابعیتی‌ها، آیت‌الله سیدمحمود شاهرودی رییس قوه‌ی قضاییه‌ی جمهوری اسلامی ایران است.

من برای اقناع آقای رضوانی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم که بر ایشان مسلم شود اخذ تابعیت از یک کشور دیگر، گناه نابخشودنی نیست، نام تعدادی از مراجع تقلید ایرانی را که تابعیت عراق را قبول کرده‌اند، ذکر می‌کنیم: ۱- میرزای بزرگ (حاج میرزا حسن) شیرازی، ۲- میرزای کوچک (محمدتقی) شیرازی، ۳- شیخ مهدی خالصی، ۴- شیخ عبدالکریم زنجانی، ۵- سید عبدالهادی شیرازی، ۶- سیدمحمود شاهرودی، ۷- سید ابوالقاسم خوبی، ۸- سید عبدالاعلی سبزواری، ۹- سید علی سیستانی و ده‌ها مرجع تقلید دیگر. آیا کسی در صداقت، عدالت و صحت عمل این مراجع شیعه که تابعیت عراق را پذیرفته‌اند، شک و تردیدی دارد؟

حالا در مورد دکتر مصدق و امثال او که اقتضای تحصیلات و رشته‌ی تحصیلی آن‌ها در خارج از کشور مستلزم اقامت و اخذ تابعیت مضاعف در اروپاست، چرا باید تبعیض قائل شد؟ همان‌طور که مصدق، توضیح داده و همه هم می‌دانند تحصیل در خارج از کشور و اخذ مدارک معتبر از دانشگاه‌های اروپایی، کار آسانی نیست. آیا کسی می‌تواند به مصدق